



باشند؛ حتماً یکی از آن‌ها باید طبق اختیارات زبانی بلند تلفظ شود.

۲. کوتاه تلفظ کردن کلمه «سو» طبق تبصره (۱) (قسمت ب) کوتاه تلفظ کردن مصوت‌های بلند (صص ۳۶ و ۳۷ کتاب) در هجای اول مصراع دوم؛

تذکره: «و» در کلمات تک‌هجایی مانند رو، مو، جو، بو، گو، خو و... هیچ‌گاه کوتاه نمی‌شود؛ یعنی، چه به کلمه‌ای اضافه شود چه به تنهایی نباید همیشه هجای بلند (-) است.

به عبارت دیگر، کلمات یک‌هجایی که به مصوت بلند «او» ختم می‌شوند هجایشان همیشه بلند است.

اما کلمه «سو» استثناست. اگر تنها بیاید هجایش بلند (-) است اما در حال اضافه، دو حالت پیش می‌آید: زمانی هجایش کوتاه است و زمانی بلند (-) مثال: برای بلند بودن هجای سو:

چو بر خواند کاوه همه محضرش

سبک، سوی پیران آن کشورش

مثال برای کوتاه بودن هجای (سو):

سوی لشکر آفریدون شدند

ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند

همی بر خروشید و فریاد خواند

جهان را سراسر سوی داد خواند

تذکر مهم: برای تشخیص کوتاه و بلند بودن هجای «سو» در حال اضافه به این صورت عمل می‌کنیم: اگر واژه «سو» را با تکیه و برجستگی و سنگینی تلفظ کنیم، هجایش بلند و اگر آن را بدون تکیه و سبک بخوانیم، هجایش کوتاه است.

۳. بلند تلفظ کردن کسره بعد از «ی» در کلمه «سوی» در هجای دوم مصراع دوم. ۴. امکان حذف همزه در کلمه سرانگشت که تلفظ روان آن سَن/زَن/گشت است.

ب. اختیارات وزنی

۱. بلند بودن هجای پایان مصراع: آخرین هجای هر مصراع بلند است اما

شاعر می‌تواند به جای آن هجای کشیده، یا کوتاه بیاورد. هجای پایان مصراع را همیشه با علامت هجای بلند نشان می‌دهیم. بر این اساس، آخرین هجای مصراع اول «لک» بلند است اما آخرین هجای مصراع دوم «شود» کشیده است. طبق این قاعده، نه آن را به دو قسمت تقسیم می‌کنیم و نه هجای کوتاهش را می‌گذاریم. چون در آخر واقع شده است، برای منظم بودن وزن، هجای بلند می‌گذاریم.

۲. رکن دوم مصراع اول مفعولن (--) اما رکن دوم مصراع دوم فعلاتن «UU--» است. در صفحه ۴۱ کتاب ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی در تعریف ابدال (تسکین) آمده است: «شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه میان مصراع، یک هجای بلند بیاورد»؛ یعنی به جای «UU-» (فعلن) می‌تواند «--» (فع لن) بیاورد.

گو ترش روی باش و تلخ سخن
زهر شیرین لبان شکر باشد

--U-/U-U-

فاعلاتن مفاعلهن فعلن

باید توجه داشت که هرگاه تعداد هجاهای مصراع کمیتر از مصراع دیگر باشد، احتمال این ابدال هست. در صورت وجود این ابدال در تقطیع، دو هجای کوتاه یک مصراع معادل یک هجای بلند مصراع دیگر قرار می‌گیرد. البته در این حالت اصل دو هجای کوتاه است.

اختیار شاعری اخیر در دو هجای ماقبل آخر بسیار رایج است و حتی در تمام مصراع‌های یک شعر ممکن است از آن استفاده شود اما کاربرد دیگر آن کم است؛ مانند «U-U-» (مفتعلن) و «UU-» («فعلاتن») و «UU» (مستفعل) که به جای هر یک از این‌ها می‌توان «--» (مفعولن) آورد. به این صورت:

در بیت مورد بحث، وزن مصراع اول به این شرح است.

اما وزن مصراع دوم به این صورت:

از آنجا که ما باید برای هر دو مصراع یک بیت، یک وزن در نظر بگیریم،

طبق اختیارات وزنی شماره ۳ (ابدال) = تسکین)، در مقابل رکن دوم مصراع دوم - که فعلاتن است - در رکن دوم مصراع اول - که مفعولن است - هجای اول مفعولن (ری) را به دو قسمت تقسیم می‌کنیم و به جای آن دو هجای کوتاه اول فعلاتن (بی) را قرار می‌دهیم. چون اصل دو هجای کوتاه است، وزن شعر یاد شده می‌شود: مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن. چند مثال دیگر که در آن مفعولن به جای فعلاتن، مستفعل و مفتعلن آمده است.

ادامه مطلب در وبگاه نشریه...

پی‌نوشت‌ها

۱ و ۲. طبق تبصره ۲ صفحه ۲۰ کتاب ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، در وزن شعر «ن» بعد از مصوت‌های بلند در یک هجا یعنی («ن» ساکن) به حساب نمی‌آید.
مثلاً: جان = جا، برین = بری، خون = خو.

منابع

۱. وحیدیان کامیار، تقی؛ وزن و قافیة شعر فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹.
۲. حرف‌های تازه در ادب فارسی، انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی اهواز، ۱۳۷۰.
۳. شمیسا، سیروس؛ آشنایی با عروض و قافیه، انتشارات فردوس، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۲.
۴. سلطانی‌گرد فرامرزی، علی؛ ادبیات فارسی، انتشارات مبتکران، چاپ هفتم، تهران، بهار ۱۳۷۳.
۵. ذوالفقاری، حسن و پرویز ارسطو؛ پرسش‌های چهارگزینه‌ای استاندارد، ادبیات فارسی ۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی رشته ادبیات و علوم انسانی، انتشارات استادی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۶. نوروزی، جهانبخش؛ عروض آسان و قافیه و شعر نو، انتشارات نوید، چاپ اول، شیراز، ۱۳۷۰.
۷. زمانیان، صدرالدین؛ بررسی اوزان شعر فارسی (عروض)، انتشارات فکر روز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
۸. وحیدیان کامیار، تقی؛ ادبیات فارسی، دوره پیش‌دانشگاهی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ هجدهم، تهران، ۱۳۹۱.
۹. ادبیات فارسی دوره پیش‌دانشگاهی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۰.
۱۰. قافیه و عروض، شرکت چاپ و نشر ایران، سال چهارم، تهران، ۱۳۷۴.
۱۱. شمسی‌نیا، محمدمین؛ «اختیار وزنی قلب یا اختیار زبانی»، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره بیست و دوم، شماره ۸۸

